

آقای دکتر صادق برزگر از صاحب نظران امور اقتصادی و مالی مملکت میباشند. در این موقع که دولت مشغول تدوین قوانین جدید مالیاتی میباشد ما توجه آقای وزیر دارائی را به نظراتی که در مقاله زیرین با ارقام و آمار توجیه شده است جلب مینمائیم.
مجله مسائل ایران

سیاست مالی دولت در خدمت توسعه اقتصادی کشور

در اینموقع که سمینار مالیاتی صاحبان صنایع در کاخ وزارت دارائی تشکیل شده بی مناسبت نمیدانیم که تذکرات لازم را بدهیم. آقای وزیر دارائی در مورد تشریح سیاست مالی دولت متذکر شد که سیاست مالی دولت دو جهت دارد:

اول - کوشش در راه رشد مداوم و سریع اقتصاد مملکت.

دوم - تأمین هدفهای عدالت اجتماعی در جهت این سیاست وزارت دارائی لزوم تغییر قانون مالیات بردرآمد را احساس کرد و تصمیم گرفت قانون جامع و کاملی تهیه و از نظرات صاحبان صنایع و بازرگانان کشور استفاده نماید.

وزارت دارائی مصمم است در قانون جدید مالیات بردرآمد سرمایه گذاری تولیدی صحیح را پشتیبانی و تشویق کند و در عین حال از بروز تورم جلوگیری نماید.

ایشان گفتند اگر احياناً سیاست مالی در راه صحیح نباشد دچار کندی کار یا تورم خواهیم شد و برای این امر باید از يك طرف صنایع سرمایه گذاری تشویق شود تا تولید کار و درآمد کند و از طرف دیگر از تورم جلوگیری گردد.

ما در نظر داریم بجای تماس مأمور مالیات و مؤدی، کنترل بوجود آوریم که هم در داخل و هم در خارج بوسیله حسابداران قسم خورده عملی خواهد شد.

مملکت احتیاج بیول دارد و باین جهت باید درآمد باشد تا مالیات باشد و تماس مأمور و مؤدی کم شود تا از سوء نیت جلوگیری بعمل آید.

ما عیناً قسمتی از اظهارات آقای وزیر دارائی را در اینجا منعکس کردیم تا خوانندگان آنها را با گفتههای پیشین مقایسه کنند. عین این

اظهارات و تذکرات و مطالب را بکرات ما نوشتیم و تذکر دادیم منتها هیچگاه متأسفانه مورد توجه اولیای وزارت دارائی قرار نگرفت. چون نظر مأمورین وزارت دارائی فقط تحصیل درآمد بدون توجه به بنیة اقتصادی و مسائل توسعه اقتصادی کشور بوده است این حرفها را اکثر وزرای دارائی در گذشته زده‌اند ولی بدان جامه عمل نپوشانده‌اند.

کدام وزیر دارائی سعی کرده است که از راه وصول مالیات عدالت اجتماعی را در این کشور مستقر سازد. و کدام وزیر دارائی سیاست مالی خود را در راه رشد مداوم و سریع اقتصاد کشور اعمال کرده است؛ آنچه که افراد طبقه متوسط این کشور اظهار میدارند که اگر مالیات از طبقه متمکن و ثروتمند بنحو عادلانه‌ای وصول می‌شد که طبقه ثروتمند و متمکن جدیدی در کشور که قله مالک لاشی بوده و موجودیت نداشته بوجود نیامد.

این طبقه در اثر عدم پرداخت مالیات یا فرار از تأدیه آن در کشور بوجود آمده‌اند.

آنچه محقق است اینست که افراد متمکن و متمنذ این کشور مالیاتی که می‌پردازند متناسب با درآمد آنها نمیباشد. در ایران در طی ادوار گذشته کسی بنادیه مالیات صحیح و حقیقی عادی نکرده است و دستگاه اداری هم یا ضعیف و ناقص بوده و یا بنا بجهات و علل سیاسی و اجتماعی نتوانسته است با اصول و موازین صحیح علمی و عملی از مردم مالیات وصول نماید و مؤدیان را مثل سایر کشورهای راقیه پرداخت مالیات رأساً و مستقیماً عادت دهد مثلاً مالیات مستقیم در سال ۱۳۱۹ معادل ۲۱۰ میلیون ریال بوده و در سال ۱۳۴۳ بمبلغ ۵۴۰۰ میلیون ریال پیش‌بینی شده (تقریباً بیست برابر شده است).

مالیات نفت و بنزین در سال ۱۳۱۹ - ۱۵۷ میلیون ریال و در سال ۱۳۴۳ - ۱۶۰۷۰ میلیون ریال پیش‌بینی شده.

یعنی ۷ برابر شده است با توجه با افزایش مصرف نفت و بنزین و قیمت آن نه تنها میزان مالیات مزبور تغییر نکرده بلکه تنزل هم کرده است.

میزان مالیات مستقیم با توجه به نسبت اسکناس در جریان که در سال ۱۳۱۹ تقریباً دو میلیارد ریال و اکنون بالغ بر ۲۱ میلیارد ریال یعنی ده برابر شده و تنزل ارزش پول (که تقریباً ۲۰ برابر ارزش پول نسبت بسال ۱۳۱۹ تنزل پیدا کرده است) و یانسیب بحجم معاملات خارجی باید گفت که میزان آن اضافه نشده است.

و حال آنکه در اثر بروز جنگ اخیر و مبادرت بمعاملات غیر عادی

واستثنائی وزمین ثروت و درآمد عده‌ای بطرز فاحش و بی تناسب افزایش یافته است ولی درآمد دولت حتی به تناسب سطح قیمت‌ها هم بالا نرفته است. مثلاً میزان حقوق و عوارض گمرکی در سال ۱۳۱۹ بالغ بر ۶۰۵ میلیون ریال بوده که در سال ۱۳۴۳ در بودجه دولت ده میلیارد ریال پیش‌بینی شده است یعنی تقریباً ۱۶ برابر شده است و حال آنکه حجم تجارت خارجی ما به بیست و چند برابر سال ۱۳۱۹ رسیده است و از طرفی هم ارزش پول بیست برابر تنزل کرده است باین ترتیب میبایستی درآمد گمرکی ما چندین برابر سال ۱۳۱۹ میشده است بطور کلی با توجه به میزان اسکناس در جریان و افزایش حجم بازرگانی خارجی بایستی میزان درآمد کشوری اندازه‌فرونی مییافت و حال آنکه درآمدهای عمومی کشور در سال ۱۳۴۳ نسبت به سال ۱۳۱۹ نقداً چند برابر شده است.

ما دلایل زیادی میتوانیم اقامه کنیم با آمار و ارقام میتوانیم ثابت کنیم که مالیات بر درآمد اصولاً آنطوریکه لازمست وصول نمیشود و بامقدار آن بسیار ناچیز است. فقط مالیات غیرمستقیم و مالیات بر مصرف کننده است که وصول میشود حتی میتوان ادعا کرد که یکدهم مالیات واقعی اثر و ثمنندان و متنفدین وصول نمیشود.

استدلال متصدیان وصول مالیات مبتنی بر اینست که با سازمان ناقص فعلی وزارت دارائی و نداشتن وسائل تعیین پایه مالیاتی تشخیص درآمد یا عایدات اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی با رعایت اصول نصفت و عدالت غیرمقدور است مگر از هم اکنون با صرف چندسال وقت و تهیه برنامه مفصلی و جامع طبق اصول متداول کشورهای راقی و تشکیل سجل مالیاتی برای هر فرد ایرانی و تربیت حسابداران خبره و ارزیابان بتوان مبنای صحیح مالیاتی را طرح ریزی کرد.

بنابراین خیلی مشکل است که بتوان عدالت اجتماعی یا تعادل ثروت را از طریق اخذ مالیات برقرار نمود کما اینکه تا حال در کشورهای در حال رشد برای برقراری عدالت اجتماعی واقعی همانطوریکه قاطبه مردم و کارشناسان فنی اقتصادی و مالی معتقدند عدالت اجتماعی یا تعدیل ثروت برقرار نشده است. باید قاعداً مالیات بر ثروت و یا مالیات بر جمع درآمد وضع شود که تا اصولاً اشخاصی که از طریق مختلف و یا بهر نحوی از انحاء تحصیل درآمد مینمایند مشمول مالیات شوند ولی چون با توجه باینکه وضع مالیات بر ثروت و یا بر مجموع درآمد ممکنست در کشوری مثل ایران که در آستانه رشد و تحول و تکامل اقتصادی است لطمه فاحشی به هدف و سیاست اقتصادی دولت یعنی جلب سرمایه و تشویق سرمایه‌گذاری در امور تولیدی بزند و از طرفی هم وصول و ایصال مالیات بر اساس علمی چندین سال طول

خواهد کشید و مستلزم تربیت اجتماعی و اخلاقی مردم است ازینرو باید قاعدتاً از پیشنهاد مالیات بر ثروت و جمع درآمد خودداری نمود. مالیات در کشورهای راقیه وسیله تعدیل ثروت و رفع اختلاف طبقاتی و برقراری عدالت اجتماعی است.

صرفه جوئی در اقلام بودجه

دلایلی که عده‌ای از مؤدیان در مورد عدم پرداخت مالیات اقامه میکنند مسئله حیف و میل و تبذیر در دستگاههای دولتی است باید تا حدی بمستدعیات مؤدیان توجه کرد و باید قسمت عمده درآمد عمومی کشور صرف امور تولیدی و کارهای عمرانی شود.

در بعضی از کشورهای عوارض و یا مالیاتهای فرهنگی و بهداشتی جداگانه از مالیاتهای عمومی وصول میشود که منحصرأً بصرف فرهنگی و بهداشتی میرسد.

باید هیئت‌هایی که مرکب از اشخاص بصیر و مطلع و آشنا بامور اداری و مالی و حسابداری جهت نظارت در هزینه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکتها و بانکهای دولتی تعیین شود تا پس از رسیدگی‌های دقیق مشخص گردد چه دستگاههایی زائد و بوجبه تکراری و اضافی داشته تا بحذف آن اقدام شود این هیئت‌ها باید بکلیه هزینه‌ها و حسابها رسیدگی نمایند و تعداد کارمندان زائد را معلوم و مشخص سازند اگر اینگونه اقدامات درباره صرفه جوئی اقلام بودجه صورت بگیرد در اندک مدتی موجبات جلب اعتماد عمومی فراهم شده و نحوه تفکر مؤدیان درباره دستگاههای دولت عوض خواهد شد. اگر اعتماد عمومی جلب شود و مردم با میل و رغبت مالیاتهای خود را خواهند پرداخت.

باید از تماس مأمورین دولت با مؤدیان حتی الامکان جلوگیری نمود. مادر این باره باز در آئینه صحبت خواهیم کرد. انشاء الله سمینار مالیاتی نتایج مفیدی بیار آورد و تذکرات اشخاص مطلع و صاحب نظر مورد توجه متصدیان مالیاتی قرار بگیرد و احیاناً مثل سایر سمینارها جنبه تشریفاتی نداشته و مذاکرات بعداً بایگانی نشود. ما در آئینده درباره اینکه سیاست مالی دولت باید مشوق سرمایه‌گذاری در راه تولیدات صنعتی و کشاورزی بوده و موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم نماید بحث خواهیم کرد.

لو کلیه نظرات اهل فن و کارشناسان مالی و اقتصادی را با آغوش باز خواهیم پذیرفت از طریق وضع مالیات است که میتوان به تشکیل سرمایه و به برقراری عدالت اجتماعی و به تعدیل سرمایه ثروت و با افزایش تولید و فعالیتهای اقتصادی کمک مؤثر نمود.